



## علامه طباطبائی تشابه را محصول ساختار ذهنی انسان می‌داند نه ذاتی آیات قرآن

علامه طباطبائی برخلاف بسیاری از مفسرین، تشابه را ذاتی آیات قرآن نمی‌داند؛ بلکه از دیدگاه ایشان، این تشابه به ساختار ذهنی ما برمی‌گردد و از آنجا که ما در عالم حس زندگی می‌کنیم، خداوند حقایق فراحسی را در قالب زبان نظام ذهنی برگرفته از دید حسی برای ما بیان می‌کند.

علامه طباطبائی برخلاف بسیاری از مفسرین، تشابه را ذاتی آیات قرآن نمی‌داند؛ بلکه از دیدگاه ایشان، این تشابه به ساختار ذهنی ما برمی‌گردد و از آنجا که ما در عالم حس زندگی می‌کنیم، خداوند حقایق فراحسی را در قالب زبان نظام ذهنی برگرفته از دید حسی برای ما بیان می‌کند.

محمدباقر خیریراد، پژوهشگر حوزه تفسیر و علوم قرآنی و مدرس عرفان اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان جایگاه روایات معصومین(ع) در تفسیر المیزان علامه طباطبائی(ره) پرداخت.

وی با اشاره به این‌که علامه طباطبائی معتقد است، آنچه ما درباره روش تفسیر قرآن از ائمه معصومین(ع) می‌آموزیم، همان روش قرآن به قرآن است، اظهار کرد: بنابراین روایات رسیده از جانب معصومین(ع)، مؤید ما در انجام تفسیر قرآن به قرآن است و علامه طباطبائی خود در راستای همین روش به تفسیر قرآن پرداخته است.

این پژوهشگر و محقق با اشاره به این‌که صرف تکیه به روایت‌ها مورد نظر علامه طباطبائی نیست و ایشان روایات را نیازمند فهم و تفسیر می‌داند، ادامه داد: به همین دلیل، بنابر دیدگاه صاحب المیزان، برخی روایات ممکن است ما را از معنای دقیق آیه دور کند.

وی تصریح کرد: علامه معتقد است که قرآن نباید با فهم بشری تفسیر و تعبیر شود؛ زیرا حقایق در قرآن طرح شده که با عرف بشری متفاوت است. در عین حال، منطق قرآن همان منطق عام فکر بشری است؛ یعنی بر خلاف نظر پیروان مکتب تفکیک، اصول منطقی حاکم بر قرآن مستقل از منطق بشری نیست.

انسان محصور در حصار زمان است و با توجه به این مطلب، آیه شریفه &#171وكانَ اللهُ عَزِيزًا حَكِيمًا&#171 ممکن است چنین فهمیده شود که &#171خداوند عزیز و حکیم بود&#171! اما مسلماً معنای آیه چنین نیست؛ بلکه واقع امور فرازمانی در زبان عربی به شکل فعل ماضی استفاده می‌شود.

خیریراد با تأکید بر این‌که علامه طباطبائی(ع) در تفسیر المیزان بسیار سیاق‌محور است و روش تقطیع آیات برای تفسیر، نشان‌دهنده تأکید ایشان بر سیاق است، ادامه داد: وحدت سیاق، محور تفسیر المیزان است، اما علامه طباطبائی(ره) معتقد است که سیاق، محدودکننده معنای آیات نیست، بلکه ممکن است آیه‌ای فارغ از سیاق معنی دهد و مراد خداوند هم باشد.

وی در ادامه با بیان این‌که علامه در المیزان غالباً سیاق‌محور است، اما در خصوص برخی آیات، از آیات دیگری برای فهم و تفصیل آنها استفاده می‌کند، افزود: مثلاً آیه &#171وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلاَ مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ&#171 (احزاب/36) در سیاق آیات، معنای مشخصی دارد، اما امام(ع) آن را چنین معنا می‌کند که &#171برای نصب امام، اختیار با شما نیست&#171 که معنایی منفصل از سیاق دارد.

این مدرس عرفان اسلامی با اشاره به دیدگاه علامه طباطبائی درباره اصطلاحات محکم، متشابه و تأویل در ذیل آیه هفتم سوره آل عمران خاطرنشان کرد: علامه برخلاف بسیاری از مفسرین، تشابه را ذاتی آیات قرآن نمی‌داند. ایشان معتقد است که تشابه به ساختار ذهنی ما برمی‌گردد و از آنجا که ما در عالم حس زندگی می‌کنیم، خداوند حقایق فراحسی را در قالب زبان برآمده از عالم حس و نظام ذهنی برگرفته از دید حسی برای ما بیان می‌کند.

وی در تشریح این مطلب اضافه کرد: به همین جهت انسان حس‌زده ممکن است دچار اشتباه شود و برای رفع این تشابه، آیات محکم کمک‌کننده هستند؛ آیات محکم آن دسته از آیاتی هستند که این حقایق را صریح بیان کرده و جای ابهامی ندارند.

خیریراد برای تبیین این مطلب به نمونه‌ای از این موضوع اشاره کرد و گفت: برای مثال انسان محصور در حصار زمان است و با توجه به این مطلب، آیه شریفه &#171وكانَ اللهُ عَزِيزًا حَكِيمًا&#171 (فتح/7؛ ...) ممکن است چنین فهمیده شود که &#171خداوند عزیز و حکیم بود&#171! اما مسلماً معنای آیه چنین نیست؛ بلکه واقع امور فرازمانی در زبان عربی به شکل فعل ماضی

استفاده می‌شود.

وی در پایان سخنان خود تصریح کرد: بنابراین علامه طباطبایی قائل به متشابه ذاتی نیست و همان‌طور که امام معصوم(ع) می‌فرماید: «المحکم ما یعمل به والمتشابه ما اشتبه علی جاهله»، به‌ویژه برای ائمه معصومین(ع) که عالم به اسرار غیب هستند، اصولاً متشابهی وجود ندارد.